

## « بررسی حقوق و آزادیهای بنیادین زنان »

در کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان\*

تهیه و تدوین: مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد

ترجمه: علیرضا اسدپور تهرانی\*\*

**چکیده:** حقوق بشر زنان بخشی جدایی ناپذیره بنیادین و غیر قابل تفکیک حقوق بشر جهانی است. حضور کامل و برابر زنان در عرصه‌ی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی همچنین نابودی تمام اشکال‌های تبعیض جنسیتی هدف مهم و ضروری جامعه بین‌المللی است. این مقاله، ترجمه‌ی کتابچه‌ی شماره بیست و دوی دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر است که به موضوع کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض علیه زنان می‌پردازد. مقدمه‌ی این مقاله، ضمن آرایه‌ی اطلاعاتی مقدماتی درباره‌ی کنوانسیون به فعالیت‌های سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حقوق بشر زنان، دلایل تدوین کنوانسیون جداگانه برای حقوق زنان و تاریخچه‌ی آن از کنوانسیون اشاره دارد. بخش نخست مقاله به بررسی و تشریح مواد مهم کنوانسیون (مواد یک تا شانزده) می‌پردازد. بخش دوم، شامل مروری اجمالی بر ساختار و کارکرد کمیته‌ی محمو تبعیض می‌باشد.

**کلید واژه:** برابری، کنوانسیون، تبعیض، زنان، جنسیت، حقوق بنیادین.

### مقدمه

برابری سنگ بنای هر جامعه دموکراتیکی است که خواهان عدالت اجتماعی و حقوق بشر می‌باشد. در عمل تمام جوامع و قلمروهای فعالیت زنان در معرض نابرابری‌های حقوقی و حقیقی قرار دارد. این وضع بقای تبعیض در خانواده را هم پدید آورده و هم باعث تشدید آن در اجتماع و

\* - منبع: سایت کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد Source

<http://www.unhcr.ch/html/menu6/2/sheets.htm>

\*\* - کارشناس ارشد حقوق عمومی.

محل کار شده است. گرچه علت ها و آثار از کشوری به کشوری می توانند تغییر کنند، تبعیض علیه زنان، [امری] شایع است. این تبعیض به وسیله ی بقای کلیشه ها و بقای فرهنگ سنتی و اعتقادات مضر به حال زنان تداوم بخشیده شده است.

کوشش های اخیر برای مستند کردن وضعیت حقیقی زنان جهان، موجب برخی توجهات به شاخص های آماری در باب شکاف های اقتصادی و اجتماعی میان زنان و مردان شده است. زنان، اکثریت فقیران جهان هستند و از ۱۹۷۵ به بعد تعداد زنان روستایی فقیر نزدیک به پنجاه درصد افزایش یافته است. زنان، اکثریت بی سوادان جهان هستند؛ این تعداد از پانصد و چهل و سه میلیون به پانصد و هفت میلیون در فاصله ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۵ افزایش پیدا کرد. زنان در آسیا و آفریقا سیزده ساعت بیش از مردان کار می کنند و غالباً مردی دریافت نمی کنند. در سراسر جهان زنان سی تا چهل درصد کم تر از مردان برای انجام کاری برابر درآمد دارند. زنان بین ده و بیست درصد شغل های مدیریتی و اداری در سطح جهان و کم تر از بیست درصد شغل های تولیدی را در اختیار دارند. زنان کم تر از پنج درصد سران حکومت های جهان را تشکیل می دهند. زنان بابت کار در منزل و کار خانوادگی مزدی دریافت نمی کنند. اگر این موارد به عنوان بازده ی تولیدی در برآوردهای ملی به حساب آورده شود، معیارهای بازده ی جهانی حدود بیست و پنج تا سی درصد افزایش می یابد.<sup>۱</sup>

مفهوم برابری معنایی بسیار فراتر از رفتاری یکسان با همه ی اشخاص دارد. رفتار برابر با اشخاص در موقعیت های نابرابر موجب تداوم بی عدالتی خواهد شد تا اینکه موجب ریشه کن کردن بی عدالتی شود. برابری حقیقی تنها می تواند به وسیله ی کوشش های هدایت شده به منظور پرداختن و تصحیح این موقعیت های نابرابر، شکل گیرد.

این موضوع چشم انداز گسترده تر برابری است که به اصل زیر بنایی و هدف نهایی در تلاش برای شناخت و پذیرش حقوق بشر زنان تبدیل شده است.

در ۱۹۷۹، مجمع عمومی، کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان را تصویب کرد. کنوانسیون، تشریح شکل الزامی قانونی و اصول پذیرفته شده ی بین المللی درباره ی حقوق زنان بوده که مربوط به همه ی زنان در همه ی زمینه ها می باشد. ضابطه ی قانونی بنیادین کنوانسیون، ممنوعیت تمام شکل های تبعیض علیه زنان است. این ضابطه، صرفاً با وضع قوانینی از لحاظ جنسیتی، بی طرف نمی تواند برآورده شود. اقدام هایی افزون بر مشکل اعطای حقوق برابر با مردان به زنان، کنوانسیون

بوسیله ی توصیه ی اقدام هایی برای در نظر گرفتن تامین این که زنان در همه جا می توانند از حقوقی که سزاوار آن هستند، برخوردار شوند؛ ادامه دارد.

کمیته ی رفع تبعیض علیه زنان بنابر ماده ی ۱۷ کنوانسیون تاسیس شد. وظیفه ی نظارت بر اجرای کنوانسیون بوسیله ی حکومت های عضو به کمیته واگذار شده است. این مقاله به دو قسمت اصلی تقسیم شده است. قسمت اول مفاد مهم کنوانسیون را بیان می کند و توضیح می دهد. قسمت دوم نمایی کلی از ساختار و عملکرد کمیته را بدست می دهد. اما پیش از آنها ابتدا برخی اطلاعات اساسی درباره ی کنوانسیون در ادامه عرضه می شود.

### ملل متحد و حقوق بشر زنان

برابری حقوق برای زنان اصل بنیادین ملل متحد است. مقدمه ی منشور ملل متحد به عنوان هدفی اساسی موجبات «اعلام مجدد ایمان به حقوق اساسی بشر و حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و تساوی حقوق بین مرد و زن» را فراهم می آورد. افزون بر این، ماده ی ۱ منشور اعلام می دارد که یکی از هدف های ملل متحد دست یافتن به همکاری بین المللی به لحاظ ارتقا و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های بنیادین برای همه ی مردم بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب، می باشد.

سند بین المللی حقوق بشر ( The International Bill of Human Rights ) تاکید بر حقوق برابر زنان را تقویت کرده و گسترش می دهد.

سند بین المللی حقوق بشر اصطلاحی است که برای اشاره ی کلی به سه سند بکار برده می شود: اعلامیه ی جهانی حقوق بشر ( Universal Declaration of Human Rights )، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

( The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights )

و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

( International Covenant on Civil and Political Rights )

و دو پروتکل اختیاری آن بر روی هم، این سندها اساسی اخلاقی و حقوقی برای کلیه ی فعالیت های حقوق بشری ملل متحد فراهم می کند و برای نظام بین المللی حمایت و ارتقای حقوق بشر نیز بنیانی فراهم می کند تا گسترش یابد.

یکی از نخستین و مهم ترین دستاوردهای سازمان در زمینه ی حقوق بشر، اعلامیه ی جهانی حقوق بشر است که بوسیله ی مجمع عمومی در ۱۹۴۸ تصویب شد. با توجه به حیثیت برابر و حقوق هر موجود بشری، اعلامیه استحقاق هر کس را برای برخوردار شدن از حقوق بشر و آزادی های بنیادین «بدون هیچ گونه تمایز، بخصوص از حیثیت نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر و هم چنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگری» (ماده ی دوم) مورد شناسایی قرار داده است.

بلافاصله هواداران تصویب اعلامیه ی جهانی، کار برای گسترش حقوق و آزادی های تصریح شده در این سند و تدوین آن ها در شکل قانونی الزامی را شروع کردند.

در نتیجه ی همین روند، دو میثاق یاد شده در بالا پدید آمدند، که بوسیله ی مجمع عمومی در ۱۹۶۶ به اتفاق آرا به تصویب رسیدند و پس از ده سال لازم الاجرا شدند.

این میثاق ها سندهای حقوقی بین المللی هستند. هنگامی که دولتی عضو هر یک از میثاق ها می شود، برای ضمانت نسبت به حقوق فردی در سرزمینش یا (منطقه های) تحت صلاحیت قانونی اش متعهد می شود که بدون هیچ گونه تبعیض، همه ی حقوق تصریح شده در آن سند را اعمال کرده و اصلاحات موثری برای موارد نقض مفاد آن ها انجام دهد.

هر دو میثاق، بطور صریح مقرر می دارند که حقوق اعلام شده در آن ها نسبت به همه ی اشخاص بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر، ملیت یا وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر قابل اجرا می باشد. از این گذشته، حکومت های عضو به ویژه متعهد می شوند که حقوق برابر مردان و زنان را برای بهره مندی از همه ی حقوق اعلام شده در هر یک از میثاق ها تامین کنند. کمیته ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کمیته ی حقوق بشر، سیستم کنترل اجرای هر یک از دو میثاق را ایجاد کرده اند و در نتیجه می توانند برای جلوگیری از افزایش تبعیض براساس جنسیت با آن در چهارچوب مفاد سندهای مربوطه مقابله کنند. کمیته ی حقوق بشر به ویژه در زمینه ی تبعیض علیه زنان فعال می باشد.

با وجود این در هر دو میثاق، هر گونه ضمانت برای مسایل خاص حقوق بشر، با توجه به وابستگی متقابل و جدایی ناپذیری همه ی حقوق، امری است که مدت هاست پذیرفته شده و اصلی است که پیوسته بر آن تاکید گردیده است. در عمل، این شیوه ی توجه به حقوق مدنی و سیاسی نمی تواند از حق برخوردارگی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدا شود. از سوی دیگر،

پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، آزادی های سیاسی و مدنی را برای شرکت کردن در این روند ایجاب می کند.

جهان شمولی اصل مهم دیگری است که بینش حقوق بشر و آزادی های بنیادین حمایت شده به وسیله ی ملل متحد را حمایت می کند. گرچه تفاوت های تاریخی، فرهنگی و مذهبی باید در نظر گرفته شود، وظیفه ی هر حکومتی است که بدون توجه به نظام های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اش از تمامی حقوق بشر، از جمله حقوق بشر زنان حمایت و حفاظت کند.

اعتبار این اصول - وابستگی متقابل، جدایی ناپذیری و جهان شمولی - اخیراً در اعلامیه ی وین و برنامه ی عمل مصوب کنفرانس جهانی حقوق بشر در ۱۹۹۳، بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است.

### چرا کنوانسیون جداگانه ای برای زنان؟

سند بین المللی حقوق بشر، مجموعه ی جامعی از حقوقی که همه ی اشخاص، از جمله زنان استحقاق آن را دارند، وضع می کند. در این صورت چرا وجود سند حقوقی جداگانه ای برای زنان لازم است؟ روش های بیشتری برای حفاظت از حقوق بشر زنان به عنوان ضرورت در نظر گرفته شده است. چون صرف حقیقت «انسان بودن» زنان کافی برای ضمانت حمایت از حقوقشان نیست. مقدمه ی کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان توضیح می دهد که به رغم وجود سندهایی دیگر، هنوز زنان حقوقی برابر با مردان ندارند. در حال حاضر تبعیض علیه زنان در هر جامعه ای به حیات خود هم چنان ادامه می دهد.

کنوانسیون به وسیله ی مجمع عمومی در ۱۹۷۹ تصویب شد تا مفاد سندهای بین المللی موجود طراحی شده برای مبارزه با ادامه ی تبعیض علیه زنان را تقویت کند. این سند برخی زمینه هایی را که در آن تبعیض های معروفی علیه زنان وجود دارد، مورد شناسایی قرار می دهد؛ به عنوان مثال در زمینه ی حقوق سیاسی، ازدواج و خانواده و استخدام. در این زمینه ها و سایر زمینه ها کنوانسیون هدف ها و معیارهای ویژه ای را توضیح می دهد که عبارت است از روی آوردن به تسهیل ایجاد جامعه ای جهانی که در آن زنان از برابری کاملی با مردان برخوردار می باشند و در نتیجه حقوق بشر ضمانت شده ی آنها به طور کامل تحقق می یابد.

در مورد مبارزه با تبعیض براساس جنسیت، کنوانسیون مقرر می دارد، حکومت های عضو سهم مهم اقتصادی و اجتماعی زنان را، هم در خانواده و هم در جامعه به عنوان یک کل به رسمیت بشناسند. کنوانسیون تاکید می کند که تبعیض مانع رشد اقتصادی و رفاه خواهد شد. این سند همچنین به

صراحت، ضرورت تغییر در نگرش ها را به وسیله ی آموزش و پرورش مختلط مردان و زنان برای پذیرش برابری حقوق و مسئولیت ها و از میان برداشتن تعصب ها و اعمال براساس نقش های کلیشه ای تایید می کند. ویژگی مهم دیگر کنوانسیون افزون بر برابری حقوقی و ضرورت معیارهای ویژه ی موقتی برای دست یافتن به آن، تعیین روشن هدف واقعی اش می باشد.

### تاریخچه ای از کنوانسیون

در نوامبر ۱۹۶۷، مجمع عمومی، اعلامیه ی رفع تبعیض علیه زنان را تصویب کرد. در ۱۹۷۲، دبیر کل ملل متحد از کمیسیون مقام زنان خواست که دیدگاههای حکومت های عضو را درباره ی شکل و محتوای احتمالی سند بین المللی ای درباره ی حقوق بشر زنان جویا شود. سال بعد، گروه کاری منصوب شده به وسیله ی شورای اقتصادی و اجتماعی جزئیات چنین کنوانسیونی را مورد بررسی قرار داد. در ۱۹۷۴، کمیسیون مقام زنان تهیه ی پیش نویس کنوانسیونی را درباره ی رفع تبعیض علیه زنان آغاز کرد. کار کمیسیون به وسیله ی نتیجه ی کنفرانس جهانی سال بین المللی زنان که در ۱۹۷۵ برگزار شد، مورد حمایت قرار گرفت. طرح فعالیتی در کنفرانس به نام «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با اقدامات موثر برای تحقق آن» به تصویب رسید.

در سال های بعد، فرایند بررسی جزئیات کنوانسیون در چهارچوب کمیسیون ادامه یافت. در ۱۹۷۷، در پی تحویل سند پیش نویس آن، مجمع عمومی، کار گروه ویژه ای را برای نهایی کردن پیش نویس منصوب کرد. کنوانسیون رفع کلیه ی اشکال تبعیض علیه زنان در ۱۹۷۹ به وسیله ی مجمع عمومی تصویب شد. در ۱۹۸۱، پس از دریافت بیست تصویب ضروری، کنوانسیون لازم الاجرا شد و کمیته ی رفع تبعیض علیه زنان به طور رسمی تاسیس شد. کارکرد کمیسیون، نظارت بر اجرای کنوانسیون به وسیله ی حکومت های عضو است. قسمت دوم مقاله، شامل اطلاعاتی درباره ی کار کمیته است.

### قسمت اول – مفاد مهم کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان

#### تعریف تبعیض (discrimination)

ماده ی یک، تعریف جامعی از تبعیض در اختیار می گذارد که برای تمام مفاد کنوانسیون مناسب است. در مقایسه با سند بین المللی حقوق بشر که صرفاً اشاره ای به «تمایز» یا «تبعیض» بر اساس جنس می کند، ماده ی ۱ شرح مفصلی از معنای تبعیض بطور خاص علیه زنان می دهد. این گونه

تبعیض شامل هر تفاوت در رفتار به دلیل جنسیت می باشد که: آگاهانه یا ناآگاهانه وضعیت نامساعدی برای زنان بوجود می آورد؛

بطور کلی جامعه را از شناخت حقوق زنان در هر دو فضای خانوادگی و عمومی باز می دارد یا: زنان را برای استفاده از حقوق بشر و آزادی های بنیادی که مستحق آن هستند، مانع می شود. در تعدادی از کشورهای جهان، حقوق قانونی بنیادین زنان، از جمله حق رای و حق مالکیت، هنوز پذیرفته نشده است. چنین موارد تفاوت تحکیم بخشیده شده ی قانونی به روشنی وضعیتی تبعیض آمیز شناخته می شود. در عین حال، هرگونه تفاوت، مساوی تبعیض نخواهد بود. تعریف بیان شده در ماده به روشنی نشان می دهد که علاوه بر ایجاد معیاری برای تفاوت (جنسی)، در نظر گرفتن پیامد تفاوت نیز لازم است. بنابراین اگر نتیجه ی آن بی اثر سازی یا تضعیف برابری حقوق در هر یک از شکل های بیان شده در بالا باشد، تفاوت همان تبعیض است و در نتیجه بنابر کنوانسیون، ممنوع است. در ۱۹۹۲، کمیته ی رفع تبعیض علیه زنان دامنه ی منع عمومی تبعیض جنسی را تا شامل بودن خشونت بر اساس جنسیت گسترش داد. توضیحات بیشتر درباره ی این موضوع را می توان در انتهای قسمت اول یافت.

### تعهدات حکومت های عضو

ماده ی ۲، تعهدات حکومت های عضو را بنابر کنوانسیون و سیاست پی گیری رفع تبعیض علیه زنان، به عنوان روشی کلی، مقرر می کند با عضو شدن در کنوانسیون، حکومت ها موظف به اقداماتی به منظور محقق کردن اصل برابری میان مردان و زنان در قوانین اساسی ملی خود و سایر قوانین مربوط هستند. حکومت ها هم چنین با تجدید نظر در قوانین موجود از قبیل قانون مدنی، مجازات و کار می باید بنیان های قانونی تبعیض آمیز را رفع کنند.

صرفاً اضافه کردن بندهای ضد تبعیض به قوانین کافی نیست. کنوانسیون هم چنین مقرر می دارد که حکومت های عضو باید بطور موثری از حقوق زنان حمایت کنند و فرصت هایی را برای زنان در جهت کمک و حمایت بر علیه تبعیض فراهم کنند. آن ها می باید ضمانت اجرایی در قوانین بگنجانند که تبعیض علیه زنان را منع کند.

حکومت های عضو کنوانسیون می باید اقداماتی به منظور رفع تبعیض هم در حوزه ی عمومی و هم در حوزه ی خصوصی انجام دهند. تلاش برای برابری جنسیتی عمودی شخصی زن در زمینه ی مقامات عمومی کافی نیست؛ حکومت ها هم چنین می باید برای سطح افقی غیر تبعیض آمیز، حتا در چهارچوب خانواده تلاش کنند.

ماده ی ۲ تایید می کند که تغییرات قانونی هنگامی بیشتر کارآیی دارد که در چارچوب ساختار موثری وضع شود، به عبارت دیگر تغییرات در قانون هم زمان با تغییر در حوزه ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید توأم باشد. به این منظور، پاراگراف f {در متن ترجمه ی فارسی پاراگراف «و»} مقرر می دارد که حکومت ها نه تنها قوانین را باید اصلاح کنند، بلکه در جهت رفع آداب و رسوم تبعیض آمیز نیز تلاش کنند.

### معیارهای مناسب

ماده ی ۳ معیارهای مناسبی را که در همه ی زمینه هایی که سیاست های بیان شده در ماده ی ۲ می باید به اجرا در آید، تعریف می کند. این ماده هم چنین برای اثبات جدایی ناپذیری و وابستگی متقابل حقوق تضمین شده بوسیله ی کنوانسیون و حقوق بنیادین بشر که همه ی اشخاص مستحق آن هستند، سودمند می باشد. دیگر سند های ملل متحد: بیش از این، حیثیت و حقوق برابر برای همه ی انسان ها را ضمانت کرده اند. ماده ی ۳ تایید می کند که، بدون اقدامات حکومت ها به منظور پشتیبانی از پیش برد و گسترش حقوق زنان، آن ها بطور کامل نخواهند توانست از حقوق بنیادین بشر که در دیگر سندها ضمانت شده بهره مند شوند.

### اقدام های ویژه ی موقتی برای مبارزه با تبعیض

ماده ی ۴ تایید می کند که حتا اگر زنان برابری قانونی (de jure = بطور قانونی و مشروع) داشته باشند، این موضوع خود به خود تضمین نمی کند که در حقیقت رفتار با آن ها بطور مساوی می باشد (برابری دو فاکتو = de facto = غیر رسمی، بالفعل). برای سرعت بخشیدن به برابری واقعی زنان در جامعه و در محل کار، به حکومت ها اجازه داده شده تا زمان ادامه ی وجود نابرابری اقدام های ویژه ی اصلاحی استفاده کنند. کنوانسیون برای دست یافتن به فراسوی تصور محدود برابری رسمی، اهدافش را تحت عنوان برابری در موقعیت و برابری در نتیجه تعیین می کند. اقدام های ماهوی باید هم قانونی و هم لازم برای توفیق یافتن در این اهداف باشند.

طی هفدهمین اجلاس، در ۱۹۸۸، کمیته ی رفع تبعیض علیه زنان این موضوع را مورد توجه قرار داد که پیشرفت قابل ملاحظه ای، در تضمین برابری حقوقی زنان بوجود آمده است، اما گام های بعدی نیاز به پذیرش حمایت از برابری بالفعل آن ها دارد. در توصیه ی کلی شماره ی ۵ تصویب شده در اجلاس مذکور، کمیته توصیه می کند:



«حکومت های عضو، استفاده ی بیشتری از اقدام های ویژه ی موقتی از قبیل فعالیت ماهوری، برخورد ترجیحی یا نظام های سهمیه ای را تا هنگام تکمیل پیشرفت زنان در تحصیلات، اقتصاد، سیاست و استخدام برقرار کنند».

این اقدام های ویژه تنها می باید برای سرعت بخشیدن به توفیق در برابری بالفعل برای زنان مورد استفاده قرار گیرد و نیایستی استانداردهای جداگانه ای برای زنان و مردان را بوجود آورد. به عبارت دیگر، اقدام های ویژه با وضعیت فعلی اعمال تبعض آمیز می باید متناسب باشد. در نتیجه، به محض دست یافتن به اهداف برابری در موقعیت و رفتار، این اقدام های ویژه دیگر مورد احتیاج نبوده و می باید متوقف شوند.

با این وجود، همیشه مواردی استثنایی که رفتار ویژه تنها روش تضمین برابری حقیقی است، وجود دارند. به عنوان مثال مصالح شخصی و اجتماعی کودکان، ارتباط جدا نشدنی با رسیدگی به سلامتی، درآمد و عایدی مادران دارند. در نتیجه اقدام های ویژه برای حمایت از دوران بارداری همیشه لازم بوده و هرگز نمی باید کنار گذاشته شوند.

### تغییر الگوهای اجتماعی و فرهنگی

اهمیت کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان این حقیقت را مطرح می کند که این سند مفاد بنیادین جدیدی به سایر سندهایی که به برابری و عدم تبعیض می پردازند، افزوده است. ماده ی ۵ تایید می کند که، حتا اگر برابری قانونی زنان تضمین شود و اقدام های ویژه ای برای حمایت از برابری بالفعل آن ها اتخاذ شود، سطح دیگر تغییر برای برابری حقیقی زنان لازم است. حکومت ها برای از میان برداشتن الگوهای اجتماعی، فرهنگی و سنتی ای که به نقش های کلیشه ای جنسیتی تداوم می بخشند، می باید تلاش کنند و ساختاری همه جانبه که از تحقق حقوق کامل زنان حمایت می کند، ایجاد کنند.

شیوع نقش های کلیشه ای جنسیتی، اغلب بویژه در مفهوم سنتی نقش زنان در حوزه ی خانوادگی دیده می شود. برخی زنان از تحصیلات منع می شوند، چون نقش آن ها در درجه ی نخست به عنوان دلسوز خانواده به حساب آورده شده است. به علاوه، همین نقش بی اهمیت تلقی شده و به خودی خود استحقاقی برای تحصیلات ایجاد نمی کند. پاراگراف (b) {ب} ماده ی ۵ از حکومت های عضو می خواهد که تا آن حد از تحصیلات را که شامل شناخت مناسبی از نقش مهم مادری به عنوان یک کارکرد اجتماعی است، تامین کنند. این موضوع هم چنین نیاز دارد به این که حکومت ها نگهداری از

کودکان را به عنوان مسوولیتی که می باید میان زنان و مردان تقسیم شود، تایید کنند، نه به عنوان وظیفه ای که به تنهایی به دوش زن قرار گرفته است. این امر به پیشرفت بنیادهای اجتماعی نیاز خواهد داشت (به عنوان مثال طرح مرخصی پدرانه) که ممکن است تقسیم احتمالی وظایف والدین را پدید آورد.

### جلوگیری از بهره کشی از زنان

ماده ی ۶ تاکید می کند بر این که حکومت ها باید کلیه ی اقدام های مناسب را برای مبارزه با معامله و بهره کشی از فحشای زنان انجام دهند. با توجه به این مسایل، این موضوع برای حکومت ها ضروری است تا با توجه به شرایطی که بوجود آورنده ی ریشه ی فحشای زنان است اقدام کنند از جمله: توسعه نیافتگی، فقر، اعتیاد به مواد مخدر، بی سواد، فقدان آموزش، تحصیلات و موقعیت های استخدامی. حکومت های عضو هم چنین می باید با ایجاد موقعیت هایی از طریق برنامه های توان بخشی، آموزش شغل و ارجاع شغل، جایگزین هایی برای فحشا در اختیار زنان قرار دهند. حکومت هایی که از وجود فحشای سودجویانه، فحشای دختر بچه ها و پورنوگرافی (که همیشه سودجویانه است) و دیگر اعمال شبه برداری حمایت می کنند، آشکارا، تعهدات خود را طبق این ماده نقض کرده اند. وضع قانون علیه چنین بی عدالتی هایی کافی نیست، به منظور این که حکومت های عضو مسولیت هایشان را بقدر کافی انجام دهند، می باید اقدام های انجام شده را با ضمانت اجراهای جزایی کامل و موثر به مرحله ی عمل در آورند.

### برابری در زندگی سیاسی و عمومی در سطح ملی

ماده ی ۷ مقرر می دارد که حکومت های عضو، دو سطح اقدام برای ایجاد برابری برای زنان در زندگی سیاسی و عمومی را متعهد می شوند. اول، حکومت ها می باید حقوق ضمانت شده در ماده ی ۲۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را گسترش دهند و حق رای در همه ی انتخابات و همه پرسى های عمومی را تامین کنند. حق رای مخفی، برای زنان از اهمیت خاصی برخوردار است. زنانی که این امکان را ندارند که بطور مخفیانه رای دهند، اغلب مجبور هستند به پیروی از شوهرشان رای دهند و در نتیجه از اظهار عقیده شان جلوگیری می شود.

دوم، ماده ی ۷ اذعان می کند این موضوع اصلی است که حق رای به خودی خود کافی برای تضمین شرکت حقیقی و موثر زنان در فرآیند سیاسی نیست. در نتیجه، ماده مقرر می دارد، حکومت ها

باید برای زنان حق انتخاب شدن در مقام های دولتی، به عهده گرفتن دیگر پست های دولتی و مقام های سازمان غیر دولتی را تامین کنند. این تعهدات می تواند از جمله بوسیله ی گنجاندن نام زنان در لیست های نامزدهای دولتی، فعالیت ایجابی و سهمیه های مثبت، رفع محدودیت جنسی برای پست های معین، افزایش معیارهای پشتیبانی برای زنان و گسترش برنامه های دولت برای جلب تعداد بیشتری از زنان در نقش رهبر سیاسی مهم (در مقابل نقش صرفاً ظاهری) تجلی کند.

### برابری در زندگی سیاسی و عمومی در سطح بین المللی

گرچه بسیاری از تصمیماتی که بطور مستقیم بر زندگی زنان تاثیر می گذارند در محدوده ی کشورهایشان بوجود می آید، روندهای مهم سیاسی، حقوقی و اجتماعی در سطح بین المللی هم باعث ایجاد تبعیض می شود و هم باعث تقویت تبعیض می شود. بنا به همین دلیل، این موضوع ضروری است که در سطح بین المللی زنان به قدر کافی به عنوان نمایندگان دولت و کارمندان سازمان های بین المللی معرفی شوند.

هدف ارایه تصویری برابر از زنان در سطح بین المللی هنوز بسیار دور از محقق شدن است. در توصیه ی عمومی شماره ی ۸، مصوب هفدهمین اجلاس، در ۱۹۸۸، کمیته ی رفع تبعیض علیه زنان پیشنهاد کرد که، در اجرای ماده ی ۸ کنوانسیون، حکومت های عضو از اقدام های ویژه ی موقتی به عنوان فعالیت ایجابی و تبعیض موجه پیش بینی شده در ماده ی ۴ استفاده کنند. حکومت ها همچنین می توانند از نفوذشان در سازمان های بین المللی برای تضمین مناسب و برابر نمایندگی زنان استفاده کنند.

### برابری در قوانین تابعیت

در متن ماده ی ۹، تابعیت به معنی شهروندی می باشد. بخش عمده ی حقوق بشر، بویژه حقوق سیاسی بطور مستقیم از حقوق شهروندی ناشی می شود.

در ماده ی ۹، دو تعهد اصلی جای گرفته است. اول، این ماده مقرر می دارد، حکومت های عضو برای زنان حقوق مشابه ای با مردان در زمینه ی کسب، تغییر یا حفظ تابعیت شان تضمین می کنند. به عنوان مثال، بسیاری از کشورها بر علیه اتباع مونثی که با خارجیان ازدواج می کنند، تبعیض قایل می شوند. همسران خارجی اتباع مذکر، می توانند تابعیت شوهرانشان را کسب کنند، اما شوهران خارجی اتباع مونث دارای چنین حقی نیستند. نتیجه ی چنین مسایلی این است که مردانی که با

خارجیان ازدواج می کنند، اجازه دارند تا در کشور زادگاهشان اقامت داشته باشند، در حالی که زنانی که با خارجیان ازدواج می کنند، مجبورند به کشور زادگاه شوهرانشان نقل مکان کنند. چنین قانونی می تواند تبعیض آمیز محسوب شود و در نتیجه می باید اصلاح شود.

دوم، ماده ی ۹ مقرر می دارد که حکومت های عضو می باید حقوق مشابه با مردان را به زنان در مورد تابعیت کودکانشان ارایه کنند. در بسیاری از کشورها، کودکان بطور خودکار تابعیت پدر را کسب می کنند. در اجرای این ماده، حکومت ها می باید برابری حقوقی رسمی ای میان زنان و مردان دربارۀ ی کسب، تغییر و حفظ تابعیت و اعطای آن بر طبق همسران یا کودکانشان برقرار کنند.

### برابری در تحصیلات

ماده ی ۱۰ تایید می کند که برابری در تحصیلات بنیانی برای قدرتمند شدن زنان در همه ی زمینه ها را فراهم می کند، از جمله: در محل کار، در خانواده و در جامعه. از طریق تحصیلات، سنت ها و اعتقادهایی که نابرابری میان دو جنس را تقویت می کند، می تواند مورد چالش و اعتراض قرار گیرد، بدین سان کمک شده تا انتقال میراث های تبعیض آمیز از یک نسل به نسل دیگر در هم شکسته شود. تعهدات حکومت های عضو طبق ماده ی ۱۰ به آسانی می تواند طی سه مقوله تقسیم شود.

**نخستین تعهد،** برابری راه های دسترسی است. شماری از مناطق در جهان هستند که حق رسمی زنان برای تحصیلات را نپذیرفته اند. گرچه برابری حقیقی در تحصیلات به پیشرفت تضمین های ویژه و موثر احتیاج دارد تا برای دانش آموزان دختر راه دستیابی به برنامه ی درسی یکسان و دیگر موفقیت های تحصیلی و بورس تحصیلی یکسان با دانش آموزان پسر فراهم شود. در بسیاری از کشورها، والدین نمی خواهند که دخترانشان شغلی خارج از خانه داشته باشند. بنابراین، دختر بچه ها برای ترک مدرسه پس از پایان یافتن تحصیلات اصلی یا مقدماتی تشویق می شوند. حتا در دوره ی مقدماتی، دانش آموزان پسر برنامه ی درسی خشک و خشن تری نسبت به هم کلاسی های خود دارند. حکومت های عضو می باید در نظام آموزشی خود تجدید نظر کنند تا کم تر موقعیت ها و استانداردهای جداگانه برای دختران و پسران مجال بروز بیابند یا بوجود آیند. از این گذشته، حکومت ها آن جا که لازم است، می باید برنامه های ویژه ای برای تشویق دانش آموزان دختر به تحصیلات بیشتر و تشویق والدین به دادن اجازه برای آن ترتیب دهند. چنین تشویقی از جمله می تواند، تخصیص پولی برای بدست آوردن شرایط بورس تحصیلی جهت دانش آموزان دختر شرکت کننده در دانشگاه ها و مدرسه های فنی و حرفه ای باشد.

دوم، حکومت های عضو برای رفع نقش کلیشه ای جنسیتی در و از طریق سیستم آموزشی وظیفه دارند. کتاب های درسی مورد استفاده در مدارس، اغلب نقش های سنتی و نابرابر را بویژه در زمینه های مربوط به استخدام و وظایف خانوادگی و تربیتی تقویت می کنند. چه بسا که معلمان با استفاده از این گونه کلیشه هایی نقش جنسیتی با دلسرد کردن دانش آموزان دختر از توجه به ریاضیات، علوم، ورزش ها و دیگر زمینه های درسی یا شغلی به اصطلاح «مردانه» حمایت می کنند. حکومت ها، آن جا که لازم است، می باید در کتاب های درسی تجدید نظر کنند و دوره های آموزش ویژه برای معلمان جهت مبارزه با تبعیض بر اساس جنسیت ایجاد کنند.

سومین تعهد حکومت های عضو، خاتمه دادن به اختلاف موجود در سطح تحصیلات میان مردان و زنان می باشد. حکومت ها می باید برنامه هایی ترتیب دهند که به زنان برای بازگشت به مدرسه یا حضور در دوره های آموزش ویژه فرصت داده شود. بر این اساس، زنانی که در گذشته از تحصیلات برابر نتوانسته اند بهره ای ببرند، موقعیت «جبران عقب ماندگی خود راه» بدست خواهند آورد و در نتیجه از نقشی برابر در محل کار و در جامعه به عنوان یک کل بهره مند می شوند.

### برابری در استخدام و حقوق کار

برابری در استخدام و حقوق کار از مدت ها پیش به عنوان ویژگی مهم در تلاش برای حقوق انسانی زنان مورد تایید قرار گرفته بود. تاکنون بخش بزرگی از مبارزه در سطح بین المللی بوسیله سازمان بین المللی کار (ILO) انجام شده است. ماده ی ۱۱ بسیاری از حقوق درخواست شده برای زنان بوسیله ی ILO را تقویت و تثبیت می کند.

ماده ی ۱۱ آشکارا اعلام می دارد که زنان از حقوق بنیادین بشر برای کار کردن برخوردار خواهند شد. این ماده، فهرست جامعی از تعهدات دولت های عضو را در جهت تامین حقوقی که بتواند بطور کامل و موثر محقق شوند، بیان می کند.

اول، حکومت های عضو می باید برای زنان حقوق و موقعیت های یکسان با مردان را تضمین کنند. کافی نیست که حکومتی شیوه ی دستمزد تبعیض آمیز را ممنوع کند. موقعیت برابر استخدام، به عنوان مثال: برابری در موقعیت ها اقتضا می کند تا زنان برای استخدام از طریق تحصیلات و آموزش حرفه ای آماده شوند. در روند استخدام، زنان می باید هم چون مردان دارای میزان دستمزد برابری باشند.

دوم زنان باید حق انتخاب آزاد در برگزیدن شغل داشته باشند، و نباید بطور خودکار به سوی کار سنتی زنان هدایت شوند. برای ایفای این تعهد، حکومت‌های عضو می‌باید برابری کاملی در موقعیت‌های آموزشی و استخدامی به زنان بدهند و می‌باید در جهت ایجاد الگوهای اجتماعی و فرهنگی ای که به همه اعضای جامعه اجازه می‌دهد برای پذیرش و فعالیت در راستای حضور زنان در انواع گوناگون مشاغل تلاش کنند.

سوم، زنان در محل کار می‌باید حقوق برابری از لحاظ مزد و همه‌ی مزایای مربوط به کار داشته باشند. حکومت‌های عضو، پرداخت برابر در مقابل کار برابر را برای زنان می‌باید تضمین کنند، همچنین رفتار برابر برای ارزش کار یکسان و رفتار برابر در ارزیابی کیفیت کار. زنان باید از پوشش تامین اجتماعی برخوردار شوند. این تامین می‌باید برای ایام مرخصی هم چنین بازنستگی، بیکاری، بیماری و مزایای پیری ایجاد شود.

چهارم، زنان در محل کار می‌باید از تبعیض به دلیل متاهل شدن یا بارداری محافظت شوند. چگونگی بیان این تامین باید کاملاً واضح باشد. حکومت‌های عضو می‌باید کارفرمایان را از سوء استفاده از دوران بارداری یا وضعیت تاهل به عنوان ملاکی برای دستمزد یا اخراج کارکنان زنان خود منع کنند. حکومت‌ها همچنین می‌باید ترتیباتی اتخاذ کنند که به والدین برای توأم کردن تعهدات خانوادگی و وظایف شغلی امکان داده شود، بوسیله اعطای مزایایی به آن‌ها از جمله مرخصی زایمان با حقوق، کمک مالی برای نگهداری از کودکان و تامین بهداشتی ویژه در طول دوران بارداری.

بالاخره این که، برابری حقیقی در استخدام احتیاج به انجام اقداماتی در جهت حمایت از زنان در مقابل همه گونه اشکال خشونت در محل کار دارد. یکی از فراگیرترین شکل‌های خشونت بر علیه زنان در محل کار، مزاحمت جنسی برای زنان بوسیله همکاران مرد است. بجای این که با زنان به عنوان همکار هم رتبه برخورد شود، اغلب با آن‌ها به عنوان یک موضوع جنسی رفتار می‌شود. در پاسخ به این موضوع شایع، کمیته رفع تبعیض علیه زنان در توصیه عمومی شماره‌ی ۱۲ که در هجدهمین اجلاسش در ۱۹۸۹ به تصویب رسید، از حکومت‌های عضو در خواست کرد تا در گزارش‌هایشان به کمیته، اطلاعاتی در مورد وضع قانون علیه مزاحمت جنسی در محل کار نیز بگنجانند. در ۱۹۹۲، کمیته توصیه کرد که اقدام‌های قانونی موثری از جمله ضمانت اجرا، جبران خسارت مدنی و شرایط ترمیمی، برای حفاظت از زنان علیه همه نوع خشونت از قبیل تجاوز جنسی و مزاحمت جنسی در محل کار تصویب کنند (توصیه‌ی عمومی شماره‌ی ۱۹ اجلاس هفدهم - پاراگراف ۲۴)

این موضوع مهم و قابل توجه است که تضمین‌های برابری و عدم تبعیض مشمول ماده‌ی ۱۱ فقط برای زنان در استخدام رسمی قابل کاربرد است. این ماده تعداد زیادی از زنان آسیب پذیر را که در خانه، بر روی زمین کشاورزی یا مکان‌های ناشناخته و غیر رسمی دیگر کار می‌کنند مورد توجه قرار نمی‌دهد و در نتیجه حقوق شان بدون دفاع باقی می‌ماند (همچنین به تیتیر زنان روستایی نگاه کنید)

### برابری در دستیابی به امکانات بهداشتی

دستیابی به مراقبت بهداشتی برای زنان، مردان و کودکان مساله‌ای تکان دهنده و متاثر کننده در بسیاری از مناطق جهان است. با وجود این که چنین حقی در ماده‌ی ۱۲ مورد شناسایی قرار گرفته است، بویژه زنان، به دلیل موقعیت نابرابر و آسیب پذیری خاص آن‌ها، با مانع‌های بزرگی در بدست آوردن مراقبت بهداشتی مناسب روبرو می‌شوند.

پاراگراف اول ماده‌ی ۱۲ حکومت‌های عضو را برای تامین برابری زنان و مردان در دستیابی به خدمات مراقبت بهداشتی ملزم می‌کند. این موضوع نیاز دارد که هر گونه مانع قانونی و اجتماعی‌ای که باعث توقف یا منع زنان برای استفاده‌ی کامل از خدمات مراقبت بهداشتی موجود، می‌شود، از میان برداشته شود. اقدامات باید به گونه‌ای باشد که دستیابی به خدمات مراقبت بهداشتی برای همه زنان تضمین شود، از جمله‌ی این اقدامات می‌توان جلوگیری از فقر، بی‌سوادی یا جداسازی فیزیکی را نام برد (همچنین به تیتیر زنان روستایی نگاه کنید).

گرچه هنوز در همه‌ی موارد حق ذاتی شناخته نشده، توانایی زن برای کنترل بارداری اش، بنیانی برای برخورداری کامل وی از تمام محدوده‌ی حقوق بشر است که از جمله به او حق سلامتی می‌دهد. در تایید این حقیقت ماده‌ی ۱۲ اشاره‌ی صریحی به موضوع تنظیم خانواده دارد. هم زنان و هم مردان می‌باید حق انتخاب ارادی تنظیم خانواده خود را داشته باشند و از این رو حکومت‌ها بایستی اطلاعات و آموزش‌های قابل دسترسی درباره‌ی روش‌های تایید شده و مناسب به لحاظ پزشکی در زمینه‌ی تنظیم خانواده را ارائه دهند. کلیه‌ی قوانینی که باعث محدود کردن دستیابی زنان به خدمات تنظیم خانواده یا سایر خدمات پزشکی شود (به عنوان مثال احتیاج به اجازه قبلی از شوهر یا بستگان نزدیک به عنوان شرط معالجه یا برای تامین اطلاعات) با این ماده مخالف است و به همین دلیل بایستی اصلاح گردد. قوانینی که پیش از این وجود داشته و مقرر می‌دارد که برای معالجه‌ی پزشکی یا برای در اختیار قرار دادن خدمات تنظیم خانواده اجازه‌ی شوهر لازم است، پس از این باید اصلاح شود. حکومت‌های عضو

موظفند که نه تنها کادر پزشکی را بلکه عموم اشخاص را مطلع کنند که چنین اجازه ای احتیاج نیست و رسمی بر ضد حقوق زنان است.

پاراگراف دوم ماده‌ی ۱۲ تایید می‌کند که زنان هنگام بارداری و پس از تولد نوزاد احتیاج به مراقبت و توجه فوق العاده دارند. حکومت‌های عضو بایستی این احتیاجات زنان را هم به پهنوان تامین کننده و هم به عنوان دریافت کننده‌ی مراقبت بهداشتی در طول این دوران به رسمیت بشناسند و باید تضمین کنند که آنان دسترسی کافی به امکانات و منابع مراقبت بهداشتی از جمله تغذیه‌ی مناسب در دوران بارداری و پس از آن داشته باشند.

برآورد می‌شود که هر ساله، دست کم نیم میلیون از زنان در ارتباط با بارداری و وضع حمل می‌میرند، بیشتر این مرگ‌ها در کشورهای در حال توسعه آسیایی و آفریقایی اتفاق افتاده است (سازمان جهانی بهداشت، تلفات مادران: A Global Factbook P. 3. 1921 Geneya). تحقق مفاد ماده‌ی ۱۲ گام نخست ضروری در کاهش نرخ بالای مرگ مادران است.

در بررسی چهارچوب خواست ماده‌ی ۱۲، کمیته رفع تبعیض علیه زنان بویژه بر روی پایان دادن به تبعیض علیه زنان در برنامه‌های ملی (مبارزه با) آیدز متمرکز شده است. توصیه‌ی عمومی شماره‌ی ۱۵ مصوب کمیته در نهمین اجلاس در ۱۹۹۰ از حکومت‌های عضو برای اصلاح نقش زنان به عنوان تامین کنندگان مراقبت، کارکنان بهداشتی و مربیان (آموزش) پیشگیری از آلوده شدن به HIV اقداماتی انجام دهند، و توجه خاصی به وضعیت فرو دست زنان در برخی جوامعی که آسیب پذیری بیشتری نسبت به سرایت HIV دارند صرف کنند.

علاوه بر این کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها و کمیته رفع تبعیض علیه زنان توجه خاصی به مسایل اعمال سستی زیان آور برای سلامتی زنان داشته اند. این گونه اعمال شامل این موارد می‌شود هر چند که محدود به موارد بر شمرده نیست، مثله کردن آلت شناسی، اعمال خطرناک در وقت وضع حمل و ترجیح دادن پسر. در توصیه عمومی شماره‌ی ۱۴ (اجلاس نهم، ۱۹۹۰) کمیته از حکومت‌های عضو خواست تا اقدام‌های مناسب در زمینه‌ی از میان بردن سنت مثله کردن آلت تناسلی زنانه اقداماتی انجام دهند. چنان اقداماتی از جمله می‌تواند شامل این موارد باشد: برپایی سمینارها و برنامه‌های تربیتی و آموزشی مناسب، گسترش سیاست بهداشت ملی بوسیله‌ی امکانات بهداشت عمومی در جهت از میان بردن سنت مثله کردن آلت تناسلی زنانه، و تامین حمایت از سازمان‌های ملی ای که در جهت این اهداف فعالیت می‌کنند.



## تامین مالی و اجتماعی

تا هنگامی که حکومت‌های عضو استقلال مالی زنان را تضمین نکنند، آن‌ها با مردان برابری واقعی نخواهند داشت. چون آن‌ها نخواهند توانست خانواده‌ی خود را اداره کنند، صاحب خانه‌ی خودشان باشند، یا مسایل مالی را خودشان به دست بگیرند. بسیاری از کارفرمایان خصوصی بر علیه کارمندان زن بوسیله‌ی عدم موافقتشان با دستیابی برابر آنان به مزایای خانوادگی (عایله مندی) و بیمه، تبعیض قایل می‌شوند. همچنین موسسه‌های وام و رهن اغلب ضابطه‌های زیادتری بر زنان تحمیل می‌کنند و برای بدست آوردن اعتبار، از زنان می‌خواهند که سپرده خود را افزایش دهند. شرایط تامین اجتماعی ممکن است برای مادران تنها با مشروط بودن حمایت به همراهی آن‌ها با یک مرد، باعث تبعیض شود. حکومت‌ها باید در جهت تضمین حق دستیابی برابر زنان با مردان در مورد اعتبارات و وام‌ها و نیز دستیابی برابر به مزایای خانوادگی (هزینه عایله مندی) دست به اقداماتی بزنند.

حقوق برابر آنان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی، تفریحی و فرهنگی مستلزم وجود برابری واقعی است. برای انجام این امر، حکومت‌ها بایستی تضمین کنند که همه‌ی موانع حقوقی و اجتماعی برای مشارکت کامل زنان در این زمینه‌ها برداشته شود و مطابق اصل برابری در فرصت‌ها؛ بودجه‌ها، کمک‌های مالی یا دیگر شکل‌های حمایت را اجرا کنند.

## زنان روستایی

در بسیاری از مناطق جهان، زنان نقاط روستایی میزان بیش از حدی از سنگینی کار را تحمل می‌کنند. به علاوه آن‌ها یا بسیار کم مشارکت‌شان مورد توجه قرار می‌گیرد یا به آن توجه‌ای نمی‌شود، همچنین آنها امکان برخورداری از حاصل کار خودشان را ندارند و یا در منافع توسعه شرکتی ندارند. از این گذشته بسیاری از این زنان کارگر، بر مبنای تلقی شدن به عنوان «نادیدنی» و ناشناخته، مستحق حمایت‌ها و منافع فراهم آورده شده در کار رسمی نیستند.

ماده‌ی ۱۴ تاکید می‌کند که زنان روستایی گروه خاصی هستند که نیاز به توجه و رسیدگی سنجیده‌ی حکومت‌های عضو دارند. علاوه بر این با افزایش دامنه‌ی کنوانسیون به زنان نقاط روستایی، حکومت‌های عضو، اهمیت کار زنان روستایی و همکاری آن‌ها برای رفاه خانواده و اقتصاد کشورشان را آشکارا تایید می‌کنند. این تاکید بر توسعه، خاص یک معاهده‌ی حقوق بشر است و بطور روشنی تایید حلقه‌ی رابط بنیادین میان دست یافتن به برابری و در بر گرفتن زنان در روند توسعه را نشان می‌دهد.

ماده‌ی ۱۴ مقرر می‌دارد که حکومت‌های عضو، تبعیض علیه زنان در نقاط روستایی را باید رفع کنند، حقوق آن‌ها برای شرایط زندگی مناسب را تحقق بخشند، و به اقدام‌های ویژه ای برای تضمین آن‌ها بر اساس برابری با مردان و داشتن سهم مساوی در توسعه‌ی روستایی دست بزنند. اقدام‌های ویژه برای انجام دادن این اهداف می‌تواند شامل: تامین مشارکت زنان، بویژه زنان روستایی، از لحاظ گسترش و تحقق طرح و توسعه به منظور این که آن‌ها بتوانند برای خودشان محیط بهتری ایجاد کنند؛ تشویق و تهیه‌ی کمک برای تشکیل گروه‌های خودیاری و تعاونی‌ها؛ تامین زنان روستایی در جهت دستیابی به مراقبت بهداشتی مناسب، امکانات تنظیم خانواده و برنامه‌های تامین اجتماعی جهت تخصیص تنظیم مالی و اجتماعی بیشتر به آن‌ها در تمام طول زندگی شان. حکومت‌ها همچنین می‌باید به زنان در نقاط روستایی فرصت برای خروج از نقش‌های سنتی شان را بدهند و بتوانند شیوه‌ی زندگی متفاوتی از طریق دستیابی برابر به برنامه‌های آموزشی و تحصیلی هم چنین اعتبارات کشاورزی، وام‌ها و امکانات بازاریابی انتخاب کنند.

### برابری در امور قانونی و مدنی

ماده‌ی ۱۵ بر برابری زنان با مردان در مقابل قانون تاکید می‌کند و افزون بر این از حکومت‌های عضو می‌خواهد که برابری زنان با مردان را در زمینه‌هایی از حقوق که بطور سنتی بر علیه آنان تبعیض اعمال می‌شود، تضمین کند. به عنوان مثال در بسیاری از کشورها زنان حقوق مالکیت یکسانی با مردان ندارند. قوانین سنتی مالکیت از این جهت که کودکان پسر توانایی به ارث بردن زمین خانواده را دارند و نیز این که شوهران بطور خودکار پس از ازدواج، حق مالکیت بر همه‌ی اموال همسرشان را بدست می‌آورند، بر علیه زنان تبعیض قایل می‌شوند. به همان ترتیب، قوانین در تعدادی از کشورها، اداره‌ی اموال خانواده را به عهده رییس مرد خانواده قرار می‌دهد و بدین ترتیب زنان نادیده گرفته می‌شوند. در بسیاری از نظام‌های حقوقی زنان این امکان را ندارند که از حق خود برای انعقاد قرار داد استفاده کنند و امضای شوهر پیش از قرار داد در مسایل مربوط به اموال و در آمدهای شخصی زن الزامی قانونی تلقی می‌شود. ماده‌ی ۱۵ از حکومت‌های عضو می‌خواهد که گام‌هایی عملی در جهت تضمین کامل برابری زنان در زمینه‌ی حقوق مدنی بردارند. از این رو حکومت‌ها بایستی هر گونه قوانین یا رویه‌های قضایی‌ای که اثر محدود کننده‌ای بر اهلیت قانونی زنان دارد نسخ یا اصلاح کنند.

بند ۴ ماده‌ی ۱۵ برابری در حقوق مربوط به رفت و آمد اشخاص و آزادی انتخاب مسکن و محل اقامت را مقرر می‌کند. قانونی که محل اقامت زن را وابسته به شوهرش

می‌داند، ازجمله قوانین تبعیض آمیز مشمول این بند به عنوان قانونی که باعث محدودیت حق (از جمله زن دارای همسر) در انتخاب مکان زندگی می‌شود، به حساب می‌آید.

### برابری در حقوق خانوادگی

ماده ۱۶ به مسأله ی تبعیض بر علیه زنان در محیط خصوصی، از جمله تبعیض در زمینه ی حقوق خانوادگی می‌پردازد. بسیاری از تبعیض‌ها بر علیه زنان در خانه هایشان بوسیله ی همسر، افراد خانواده و فامیلشان رخ می‌دهد. در برخی جوامع، زنان یا دختران جوان مجبور به ازدواج اجباری و ناخواسته هستند. در بسیاری از مناطق جهان، زنان دارای همسر، حق شرکت برابر در تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان، چگونگی پرورش فرزندان و این که چه وقت و چگونه می‌باید به کار بپردازند، ندارند. حتا در کشورهایی که زنان در زندگی خانودگی شان از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری برخوردارند، بطور عمیقی کلیشه‌های مربوط به نقش «مناسب» زنان به عنوان خانم خانه و کد بانو یا انجام تصمیم‌گیری مهم با دخالت شوهرانشان تثبیت شده که می‌تواند جلوی ادامه ی کارهای خارج از خانه را بگیرد.

این زمینه‌های تبعیض، معمولاً بر اساس آداب و رسوم فرهنگی و دینی دیرپاست. بنابراین یکی از مهم ترین مشکلات نفوذ و یکی از مقاوم ترین زمینه‌ها برای تغییرات است.

با وجود این که تنظیم کنندگان پیش نویس کنوانسیون وقوف داشتند که تغییراتی در این زمینه ها لازم است تا زنان بتوانند به برابری کامل دست یابند؛ برای پدید آوردن چنین تغییراتی حکومت‌های عضو می‌باید اولاً اقدام‌های مناسبی برای حذف یا اصلاح قوانین یا رویه‌های قضایی موجود مربوط به ازدواج و خانواده را که بر علیه زنان تبعیض قایل می‌شود، انجام دهند. از جمله به عنوان مثال به چنین قوانینی می‌توان اشاره کرد: قوانینی که به زنان حقوقی برابر با مردان در زمینه ی طلاق و ازدواج مجدد نمی‌دهد؛ قوانینی که به زنان امکان حق مالکیت کامل بر اموالشان را نمی‌دهد؛ و قوانینی که حق برابری آنها را برای نگاه داری و حضانت فرزندان نمی‌پذیرد، چه در هنگام ازدواج و چه در پی طلاق. ثانیاً حکومت‌های عضو باید گام‌های عملی و جدی ای برای تضمین این که زنان بتوانند از حقوق برابری با مردان استفاده کنند، بردارند، از جمله حق آزادی برای ازدواج و انتخاب همسر با توجه به آزادی زن برای انتخاب زمان و شخص مورد نظر برای ازدواج، سن حداقلی برای ازدواج می‌باید در قانون پیش بینی شود.

گرچه بطور ویژه ای به خشونت خانوادگی در ماده ی ۱۶ پرداخته نشده، کمیته ی رفع تبعیض علیه زنان آشکارا خشونت و بدرفتاری در خانواده را یکی از مسایل حقوق بشر توصیف کرده که

حکومت‌های عضو ملزم به توجه به آن هستند. اطلاعات بیشتر در مورد خشونت بر اساس جنسیت در توضیحات بعدی آمده است.

### توضیحی درباره ی خشونت بر اساس جنسیت

مسئله‌ی خشونت بر اساس جنسیت بطور ویژه ای در کنوانسیون مورد توجه قرار نگرفته است. گرچه این موضوع آشکارا بخش بنیادین شرایط اصلی است. در توصیه ی عمومی شماره‌ی ۱۹ مصوب یازدهمین اجلاس در ۱۹۹۲ کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان گام رسمی مهمی برداشته شد و ممنوعیت عمومی تبعیض بر اساس جنسیت را افزایش داده و متضمن خشونت بر اساس جنسیت دانسته و در تعریف اعلام می‌دارد (پاراگراف ۶):

«خشونت‌ی که به دلیل زن بودن یک زن متوجه وی می‌شود یا به دلیل تاثیر گذاری نامتناسب اعمال می‌شود. آن شامل اعمالی است که باعث صدمه یا ناراحتی جسمی، روحی یا جنسی می‌شود، تهدید به انجام این گونه اعمال، اعمال زور و دیگر محدودیت‌ها برای آزادی ...»

کمیته تصریح می‌کند که خشونت علیه یک زن مساوی نقض حقوق انسانی شناخته ی شده بین المللی است - بدون توجه به این که آیا مرتکب مقام رسمی دولتی یا شخص خصوصی است.

مسئولیت حکومت‌های عضو مطابق کنوانسیون تا هنگام رفع تبعیض بر اساس جنسیت بوسیله‌ی هر شخص، سازمان یا موسسه ادامه دارد در نتیجه مسوولیت حکومت نه تنها محدود نیست به وقتی که مقام رسمی حکومتی در موضوعی مربوط به خشونت بر اساس جنسیت درگیر می‌شود. بلکه حتا هنگامی که تلاش‌های لازم برای جلوگیری از نقض حقوق تعهد شده برای اشخاص خصوصی یا تلاش هایش برای رسیدگی و مجازات چنین اعمال خشونت آمیزی و جبران خسارت به شکست می‌انجامد، نیز وجود دارد.

در همان توصیه ی عمومی (پاراگراف ۲۴) کمیته از حکومت‌های عضو می‌خواهد که تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از خشونت بر اساس جنسیت انجام دهند. چنین اقدام‌هایی نه تنها می‌تواند شامل ضمانت اجراهای قانونی، جبران خسارت‌های مدنی و راه‌هایی برای تحویل خسارات باشد، بلکه می‌تواند شامل اقدام‌های پیش گیرانه از جمله برنامه‌های اطلاع رسانی عمومی و آموزشی، همچنین اقدام‌های حفاظتی مثل خدمات حمایتی برای قربانیان خشونت باشد.

فعالیت کمیته در این زمینه بوسیله‌ی سایر برنامه‌های توسعه بین المللی تقویت می‌شود. در ۱۹۹۳ مجمع عمومی اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان را (قطعنامه ۴۸/۱۰۴) تصویب کرد. اعلامیه گام‌هایی را که می‌باید حکومت‌ها و سازمان‌های بین المللی برای تضمین رفع همه‌ی اشکال خشونت علیه زنان بردارند، تشریح می‌کند (چه مواردی که در زندگی خصوصی روی می‌دهد و چه مواردی که در زندگی عمومی روی می‌دهد).

### حق شرط برای کنوانسیون

در شرایطی که معاهده ای اجازه دهد - چنان که در مورد کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان مصداق پیدا می‌کند - حکومت‌های عضو می‌توانند از حق شرط استفاده کنند، بدین معنی که طی اعلامیه ای رسمی اعلام می‌دارند که آن‌ها بخش یا بخش‌های معینی از معاهده را الزام آور نمی‌دانند. ماده‌ی ۲۸ کنوانسیون (بند ۲) اعلام می‌دارد:

*«حق شرط‌هایی که با هدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد، پذیرفته نخواهد شد»*

این بند به یک قاعده ی بنیادین حقوق بین الملل معاهدات اشاره می‌کند که اعلام می‌دارد: حق شرطی که با اهداف و منظور کنوانسیون مغایر باشد، مورد قبول نیست.

کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان دارای موارد بیشتری حق شرط نسبت به سایر معاهده‌های عمده‌ی حقوق بشر بین المللی است. از اکتبر ۱۹۹۳، چهل و یک حکومت عضو دارای حق شرط هستند و تا کنون حق شرط خود را پس نگرفته‌اند. برخی از این حق شرط‌ها مربوط به مسایل غیر بنیادین در زمینه‌ی هدف و منظور معاهده است. برخی از این حق شرط‌ها دارای مفاد مورد بحث و اختلافی هستند (ماده ۲۹). برخی حق شرط‌ها چنان دارای گستره‌ی وسیع و نامشخصی هستند که تعیین دقیق شرط حکومت مربوطه مشکل است. تعداد زیادی از حکومت‌های عضو، حق شرط‌های قابل توجهی برای مواد اصلی قابل شده‌اند، که از جمله شامل مفاد مربوط به عدم تبعیض در خانواده، اهلیت قانونی و حقوق شهروندی می‌باشد. برخی حکومت‌ها حتا نسبت به ماده‌ی بسیار مهم ۲ حق شرط قابل شده‌اند. این ماده مشتمل بر مسوولیت اصلی اعضا برای از میان بردن همه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان از جمله تبعیض بر اساس جنسیت می‌باشد. برخی حق شرط‌ها مربوط به مفادی است که تلاش می‌کند تا در حوزه‌ی فعالیت خصوصی خانه و خانواده تبعیض را از میان ببرد.

چنین حق شرط‌های قابل ملاحظه ای می‌تواند بطور چشم‌گیری تعهدات به عهده گرفته شده توسط حکومت دارای حق شرط را محدود کند و آن‌ها بدین ترتیب بدون شک هدف و منظور کنوانسیون را بتدریج تضعیف می‌کنند.

کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان در دوره‌ی فعالیتش بطور مداوم حکومت‌های عضو را برای تجدیدنظر و پس گرفتن حق شرط هایشان تشویق می‌کند. کمیته قدرت تصمیم‌گیری برای سازگار بودن یا سازگار نبودن حق شرط با هدف و منظور کنوانسیون ندارد. مسأله‌ی ناسازگاری می‌تواند بوسیله‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری مورد بررسی قرار گیرد، اما تاکنون حکومت‌ها جویای نظر مشورتی دیوان در مورد سازگاری حق شرط‌ها یا این که حق شرط‌ها باید دارای چه ویژگی باشند، نشده‌اند و نیز به حکومت‌های دیگر در این مورد اعتراض نکرده‌اند.

همان‌گونه که در کنفرانس جهانی حقوق بشر در ۱۹۹۳ تأیید شده، موضوع حق شرط نسبت به کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان مسأله‌ی جدی است. تعداد و سرشت حق شرط‌ها و عدم موفقیت برای استناد به رویه‌ی رسمی تنظیم شده در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره‌ی حقوق معاهدات برای تصمیم‌گیری در مورد اعتبار حق شرط‌ها باعث بحث‌های قابل ملاحظه‌ای شده است. برخی حکومت‌های عضو نسبت به بعضی حق شرط‌هایی که هم با متن و هم با روح کنوانسیون ناسازگار است اعتراض شدیدی کرده‌اند، در مقابل حکومت‌های دیگر قویاً از حق شرط خود دفاع کرده‌اند.

طی سیزدهمین اجلاس در ۱۹۹۴ کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان موافقتش را با دیدگاه کنفرانس جهانی که اعلام می‌دارد: لازم است گستره‌ی هر گونه حق شرط نسبت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر محدود شود، بیان کرد؛ هر گونه حق شرطی باید هم با دقت و کاملاً محدود و هم قابل اجرا تدوین شود، همچنین باید تضمین شود که هیچ حق شرطی ناسازگار با هدف و منظور معاهده‌ی مربوطه نباشد، ضمن این که حق شرط‌ها با هدف پس گرفتن آن‌ها مورد بررسی قرار گیرند. در همین اجلاس، کمیته گام‌هایی برای جلب توجه سایر موسسه‌های وابسته به سازمان ملل متحد در مورد حق شرط برداشت، این موسسه‌ها عبارتند از کمیسیون مقام زن و کمیسیون حقوق بشر. کمیته همچنین پیش‌نویس دستورالعمل‌های ویژه‌ای برای اعلام به حکومت‌های عضو برای قایل شدن حق شرط نسبت به کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان تهیه کرد.

## قسمت دوم - تحقق کنوانسیون: کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان

### تشکیلات و ساختار کمیته

ماده‌ی ۱۷ کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان، کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان را برای نظارت بر تحقق و اجرای مفادش تاسیس می‌کند.

بر طبق کنوانسیون کمیته، متشکل از بیست و سه کارشناسی است که بوسیله‌ی رای مخفی از میان فهرست اشخاصی که «دارای شهرت اخلاقی والا و صلاحیت در زمینه‌ی مربوط به کنوانسیون» (بوده) و بوسیله‌ی حکومت‌های عضو معرفی شده‌اند، انتخاب می‌شوند. در انتخاب اشخاص برای عضویت در کمیته، توزیع عادلانه‌ی جغرافیایی و نمایندگی تمدن‌های مختلف و نظام‌های عمده‌ی حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد. اعضای کمیته برای یک دوره‌ی چهار ساله خدمت می‌کنند. گر چه اعضا بوسیله‌ی دولت‌های خود معرفی می‌شوند، اما آن‌ها بر طبق صلاحیت شخصی خود خدمت می‌کنند و وکیل و نماینده‌ی کشورهای خود نمی‌باشند.

بطور قابل ملاحظه‌ای ساختار کمیته، از سایر هیات‌های معاهدات حقوق بشری متفاوت است. در درجه‌ی اول، کمیته از ابتدا تاکنون و تنها با یک استثنا بطور کلی متشکل از زنان است. اعضا زمینه‌های تخصصی متنوع و گستره‌ای را طرح ریزی و پی‌گیری می‌کنند. گستره‌ی رویدادها در کمیته بر اساس روند گزارش‌های حکومت‌های عضو مورد بررسی و اظهار نظر قرار می‌گیرد.

### کمیته چه کارهای انجام می‌دهد؟

کمیته به عنوان ناظری برای تحقق و اجرای کنوانسیون بوسیله‌ی کشورهای است که آن را تصویب کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند. این نظارت عمدتاً بوسیله‌ی بررسی گزارش‌های ارایه شده توسط حکومت‌های عضو انجام می‌شود. کمیته این گزارش‌ها را مورد رسیدگی قرار داده و اظهار عقیده و توصیه‌هایی بر اساس موضوع می‌کند. کمیته می‌تواند از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد در خواست ارایه‌ی گزارش‌هایی درباره‌ی موضوع کند و هم چنین می‌تواند اطلاعات از سازمان‌های غیر دولتی دریافت کند. کمیته گزارش سالیانه‌ی فعالیت‌هایش را از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی ارایه می‌کند، هم چنین شورا این گزارش‌ها را جهت اطلاع به کمیسیون مقام زن می‌فرستد.

کمیته در هر سال برای دو هفته تشکیل جلسه می‌دهد. این کوتاه‌ترین نشست یک کمیته‌ی تشکیل شده بر اساس معاهده‌ی حقوق بشری می‌باشد.

### چگونه یک حکومت عضو به کمیته گزارش می‌دهد؟

طبق ماده‌ی ۱۸ کنوانسیون، حکومت‌های عضو ملزم شده‌اند درباره‌ی اقدامات تقنینی، قضایی و سایر اقداماتی را که بر اساس مفاد کنوانسیون انجام می‌دهند به دبیر کل سازمان ملل متحد گزارش دهند. این گزارش‌ها برای بررسی کمیته می‌باشد.

حکومت عضو می‌باید نخستین گزارش را یک سال پس از تصویب یا الحاق به کنوانسیون ارائه دهد، گزارش‌های بعدی می‌باید دست کم هر چهار سال ارائه شود یا آن که هر زمان بنا به درخواست کمیته ارائه شود.

هنگام تصویب یا الحاق به کنوانسیون حکومت‌های عضو تعهد قانونی برای ارائه‌ی به موقع و کامل گزارش‌ها را می‌پذیرند. بسیاری از کشورها از عهده انجام دادن این تعهد برنیامده‌اند. هر دلیلی که برای این قصور ابراز شود وجود تعداد زیاد گزارش‌های معوقه و بخش‌های قابل توجهی از گزارش‌های ناکامل و ناکافی نتیجه‌ی نهایی است. از اکتبر ۱۹۹۳، هفتاد و دو حکومت عضو کنوانسیون (تقریباً دو سوم مجموع تعداد حکومت‌های عضو) از ارائه‌ی گزارش‌ها بر طبق برنامه کوتاهی کرده‌اند. فرآیند گزارش موضوع پیچیده‌ای است، هم چنین تهیه و تدارک گزارش‌ها می‌تواند وظیفه‌ای زمان‌بر و مشکل‌باشد. بعضی مسایل در این روند به دلیل کمبود پرسنل، کمبود تجربه و منابع در چارچوب وزارتخانه یا اداره‌ی مربوطه وجود می‌آید. فرآیند گردآوری اطلاعات می‌تواند بوسیله‌ی تامین همکاری میان آژانس گزارش دهنده و اداره‌های دولتی با توجه به آمارها یا دیگر اطلاعات فراهم شده تسهیل شود. توانایی سازمان‌ها غیر دولتی در تهیه‌ی گزارش‌ها کمکی است که نباید نادیده گرفته شود.

متأسفانه، کمیته عملاً نمی‌تواند همه‌ی مشکلاتی را که می‌تواند در فرآیند گزارش وجود آید، مورد توجه قرار دهد. کمیته دو مجموعه راهنمای کلی برای گزارش دادن عرضه کرده است که اقدامی برای کمک فنی عملی به حکومت‌های عضو می‌باشد. این راهنماها پیشنهاد می‌کنند که گزارش‌های مقدماتی بطور مفیدی می‌توانند به دو بخش تقسیم شوند: بخش اول - چارچوب سیاسی، حقوقی و اجتماعی کشور و نیز اقدام‌های کلی بکار برده شده جهت تحقق کنوانسیون را شامل می‌شود و بخش دوم، شرح مفصلی از گام‌های برداشته شده جهت رعایت مواد خاص کنوانسیون را شامل می‌شود. متأسفانه، بسیاری از حکومت‌های عضو از این راهنمایی‌ها پیروی نکرده‌اند، حقیقتی که دلالت می‌کند، این راهنمایی‌ها برای کمک‌های ویژه بسیار کلی هستند. به کمیته جهت موثر کردن روند گزارش‌ها پیشنهاد شده است که رهنمودهای مشروحی برای موارد عینی و مشخص تر به حکومت‌های عضو ارائه دهد.



### کمیته چگونه فعالیت می‌کند؟

بر طبق ماده‌ی ۲۰ کنوانسیون کمیته یک بار در سال برای مدتی که از دو هفته تجاوز نکند تشکیل جلسه می‌دهد. این جلسه بوسیله‌ی بخش ملل متحد برای پیشرفت زنان تامین می‌شود که در ۱۹۹۳ از وین به نیویورک منتقل شد.

مطابق ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون کمیته آیین‌نامه‌ی اجرایی خود را تصویب کرده است. این آیین‌نامه مقرر می‌دارد که نشست‌های کمیته بطور کلی علنی برگزار می‌شود، حد نصاب تشکیل جلسات حضور دوازده عضو است و حضور دو سوم اعضا برای تصمیم‌گیری ضروری است. علاوه بر این، آیین‌نامه‌ی اجرایی مقرر می‌کند که کمیته باید برای رسیدن به تصمیم‌گیری بر اساس اجماع تلاش کند. کمیته از میان اعضایش یک رییس، سه نایب رییس و یک سخنگو انتخاب می‌کند. این اشخاص برای یک دوره‌ی دو ساله منصوب می‌شوند. برای تسهیل فعالیت‌های آن‌ها، کمیته گروه‌های کاری ذیل را معین کرده است:

#### (الف) گروه کاری پیش از اجلاس

در واکنش به مواجه شدن با مسأله‌ی کمبود وقت و منابع، جهت بررسی مناسب گزارش‌های حکومت‌های عضو، کمیته گروه کاری پیش از اجلاس را برای آماده کردن بررسی ثانوی و گزارش‌های دوره ای بعدی تاسیس کرد. گروه کاری پیش از اجلاس از پنج عضو کمیته تشکیل می‌شود که ماموریت آن، آماده کردن فهرست موضوع‌ها و مجموعه پرسش‌های فرستاده شده ی پیش از گزارش حکومت‌ها است. این موضوع به گزارش حکومت‌ها امکان می‌دهد تا پاسخ‌هایی برای ارایه به اجلاس تهیه کنند و در نتیجه به تسریع بررسی ثانوی و بعدی گزارش‌ها کمک می‌کند.

#### (ب) گروه‌های کاری ثابت

علاوه بر گروه کاری پیش از اجلاس، کمیته دو گروه کاری ثابت نیز تاسیس کرده است که در طول برگزاری اجلاس بطور مرتب تشکیل جلسه می‌دهند. گروه کاری اول، راه‌ها و شیوه‌های پیش بردن فعالیت کمیته را بررسی و پیشنهاد می‌کند. گروه کاری دوم، راه‌ها و روش‌های تحقق ماده‌ی ۲۱ کنوانسیون بررسی می‌کند که این ماده به کمیته قدرت صدور پیشنهاد و توصیه ی عمومی در جهت اجرای کنوانسیون را می‌دهد.

## بررسی گزارش‌ها توسط کمیته

### ۱- تسلیم گزارش‌ها

حکومت‌های عضو، نخست بصورت جداگانه گزارش مکتوبی به کمیته عرضه می‌کنند. نمایندگان حکومت سپس می‌توانند بطور شفاهی به معرفی گزارش بپردازند. این معرفی‌ها برداشت کلی صحیحی از محتوای گزارش را عرضه می‌کند.

### ۲- اظهار نظرهای کلی

پس از این معرفی، کمیته اظهار نظری کلی کرده و به تبیین و بررسی شکل و محتوای گزارش می‌پردازد. در برخی پرونده‌ها، کمیته همچنین به بررسی برخی از حق شرط‌ها نسبت به کنوانسیون که در گزارش حکومت عضو از آن سخن به میان آمده می‌پردازد. کمیته همچنین می‌تواند نسبت به تجدید نظر در مورد حق شرط تحقیق کند.

### ۳- بررسی مواد خاص

پس از آن اعضای کمیته، پرسش‌هایی درباره مواد خاصی از کنوانسیون مطرح می‌کنند تمرکز آن‌ها بر روی موقعیت فعلی زنان در جامعه از لحاظ تلاش برای درک گستردگی واقعی مسأله‌ی تبعیض می‌باشد. از این رو کمیته اطلاعات آماری ویژه‌ای در مورد موقعیت زنان در جامعه از طریق سازمان‌های غیر دولتی و آژانس‌های مستقل و هم از طریق دولت مورد نظر درخواست خواهد کرد.

حکومت‌های عضو هنگام ارایه‌ی گزارششان می‌توانند تصمیم بگیرند که به برخی از پرسش‌ها بلافاصله پاسخ دهند، و معمولاً پاسخ‌های دیگری یک یا دو روز بعد تهیه می‌کنند. در این مقطع کمیته می‌تواند پرسش‌های دیگری مطرح کند، یا می‌تواند خواستار شود که پیش از گزارش بعدی اطلاعات بیشتری ارسال شود.

### ۴- اظهار نظرهای پایانی

کمیته سپس، اظهار نظرهای پایانی در مورد گزارش‌های جداگانه‌ی حکومت‌های عضو را آن چنان که این موارد بتوانند در گزارش کمیته منعکس شوند، آماده می‌کند. هنگام سیزدهمین اجلاس، در ۱۹۹۴ کمیته تصمیم گرفت که این اظهار نظرها می‌باید مهم ترین موضوع‌های اصلی را مورد بحث قرار دهند، گفتگوهای سازنده را در بر بگیرند، هم به جنبه‌های مفید گزارش حکومت و هم بر موضوعاتی که کمیته بیان کرده، تاکید شود و نیز بطور صریح به خواسته‌های کمیته در مورد گزارش بعدی حکومت اشاره شود.

## ۵- تشویق به گفتگوی سازنده میان کمیته و حکومت ها

رسیدگی و بازبینی گزارش‌های حکومت‌های عضو بوسیله ی کمیته نباید به معنی رویه ای خصمانه باشد. در عوض همه ی تلاش‌ها برای گسترش گفتگوی سازنده میان حکومت‌های عضو و اعضای کمیته باید ایجاد شود. گرچه ممکن است برخی اعضای کمیته در زمینه ای خاص به حکومتی انتقاد کنند، اما سایر اعضا برای تشویق پیشرفت پدیدآمده بوسیله ی همان حکومت در زمینه‌های دیگر از هیچ اقدامی فرو گذار نکنند. در مجموع، جوّ اجلاس‌های کمیته یکی از آزاد ترین مکان‌های مبادله‌ی عقاید، اطلاعات و پیشنهادات است.

یک جنبه از این محیط دوستانه این است که کمیته هیچ گاه بطور: رسمی در مورد نقض کنوانسیون توسط یکی از حکومت‌ها اظهار نظر نمی‌کند، بلکه کوتاهی‌های یک حکومت را طی یک رشته پرسش‌ها و اظهار نظرها متذکر می‌شود. گرچه، این رویکرد بدین معنی است که کمیته خود را در موقعیت اعمال فشار شدید بر حکومتی که باعث نقض مسلم کنوانسیون شده قرار نمی‌دهد تا آن حکومت سیاست‌ها و قانونگذاری اش را تغییر دهد.

## تفسیر و اعمال کنوانسیون

ماده ی ۲۱ کنوانسیون تصریح می‌کند که کمیته می‌تواند پیشنهادات و توصیه‌های عمومی ای بر اساس بررسی‌هایش از گزارش‌ها و اطلاعات دریافت شده توسط حکومت‌های عضو تهیه کند. تا این تاریخ، توصیه‌های عمومی صادر شده بوسیله ی کمیته، حکومت خاصی را مخاطب قرار نداده است. در عوض، کمیته خود را به تهیه ی توصیه‌هایی به همه ی حکومت‌های عضو جهت اقدام‌هایی ویژه محدود کرده است که این اقدامات می‌تواند، تعهدات آن‌ها را مطابق کنوانسیون عملی و برآورده سازد.

توصیه‌های عمومی صادره توسط کمیته، هم از لحاظ دامنه و هم از لحاظ تاثیر محدود هستند. زیرا آن‌ها با شرایط همه ی حکومت‌های عضو تطبیق داده می‌شوند، حوزه ی این توصیه‌ها اغلب بسیار گسترده است - چون جلب موافقت برای نظارت مشکل است. این توصیه‌ها همراه با برخی پیشنهادات دیگر کمیته به کشورهای خاص، از لحاظ قانونی الزام آور نیستند.

تا این اواخر کمیته تلاشی جدی برای تفسیر یا تجزیه و تحلیل حوزه و معنای مواد کنوانسیون انجام نداده بود. در واقع، کنوانسیون حق چنین تفسیری را به کمیته اعطا نکرده است. هر چند، بیشتر هیات‌های ناظر معاهدات دیگر (بویژه کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی، کمیته‌ی حقوق بشر و کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) تفسیرهایی از کنوانسیون‌های مربوطه در فقدان مقامی خاص برای انجام

چنین کاری، انجام داده اند. این تفسیرها کمکی اساسی برای پیشرفت حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود. این تفسیرها نشان داده اند که برای حکومت‌ها در جهت تدوین گزارش‌ها ایشان و نیز برای فعالیت سازمان‌های غیر دولتی به منظور تحولاتی در سطح ملی بسیار سودمند بوده است.

در توصیه‌ی عمومی شماره‌ی ۱۹ که طی یازدهمین اجلاس، در ۱۹۹۲ صادر شد، کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان شمول خشونت بر اساس جنسیت را در مواد گوناگون کنوانسیون مورد بررسی قرار داد. طی دوازدهمین اجلاس، در ۱۹۹۳، کمیته تجزیه و تحلیل ماده‌ی ۱۶ و سایر مواد مرتبط با خانواده را که برای توصیه عمومی پیش بینی شده بود، به عهده گرفت. کمیته، برنامه‌ی کاری بر اساس مواد بنیادین گوناگون کنوانسیون جهت بررسی تحولات بوجود آمده طی اجلاس‌های سالیانه دایر کرده است.

### بهبود فعالیت کمیته

برای انجام مؤثر ماموریت نظارت بر تحقق و اجرای کنوانسیون بوسیله‌ی حکومت‌های عضو، کمیته با چالش‌هایی مواجه می‌شود. کمیته می‌باید تلاش زیادی برای افزایش اطلاعات اصلی قابل استفاده - هم برای گردآوری و هم برای نقد گزارش‌ها انجام دهد؛ کمیته باید در جایی که لازم است، تفسیری از ضابطه‌های گنجانده شده در مواد کنوانسیون ارائه دهد، همچنین باید برای پدید آوردن سیستم نظارتی کارآمدتر تلاش کند.

#### ۱- افزایش اطلاعات اصلی کمیته

در حال حاضر، بخش پیشرفت برای زنان با تجزیه و تحلیل شاخص‌های آماری مربوط به مواد خاص کنوانسیون برای هر گزارش دوره‌ای حکومت‌های عضو اعضای کمیته را تامین می‌کند.

ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون تصریح می‌کند که کمیته می‌تواند از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل درخواست ارایه‌ی گزارش‌هایی برای بررسی کمیته در مورد کاهش زمینه‌های اجرای کنوانسیون در چارچوب حوزه فعالیت هایش کند. این فرصت سودمندی برای کمیته جهت دریافت اطلاعات مشروحی در مورد اجرای کنوانسیون در موارد خاص می‌باشد. تعدادی از آژانس‌های تخصصی و سایر هیات‌های سازمان ملل، از جمله سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، برنامه‌ی عمران ملل متحد (UNDP)، اداره‌ی کمیسیونر عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) و صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF) بطور مستقیم درگیر در مباحث تاثیر گذار بر حقوق بشر زنان هستند. تا این

تاریخ، تنها سازمان بین المللی کار (ILO)، سازمان بهداشت جهانی (WHO) و سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO) گزارش‌هایی به کمیته ارائه کرده اند.

به منظور استفاده ی کامل از اندوخته‌ی گسترده ی اطلاعات قابل استفاده در مورد کشورهای گوناگون در چارچوب آژانس‌های ملل متحد، کمیته بطور جدی همکاری‌هایش را پی‌گیری می‌کند. البته، این اطلاعات هنگامی بیشتر مفید هستند که مربوط به وضعیت کشوری باشند که در کمیته طی جلسه ی رایه‌ی اطلاعات، مورد بحث قرار می‌گیرد.

دیگر منبع ارزنده‌ی اطلاعات برای کمیته، سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های زنان و آژانس‌های مستقل هستند. گزارش‌های رایه شده توسط حکومت‌های عضو اغلب بطور دقیقی وضعیت حقوق بشر زنان در کشور مربوطه را منعکس نمی‌کند، ضمن این که آن‌ها همواره زمینه‌های خاصی از مسایل خاص را تشخیص نمی‌دهند. اطلاعات و آمار سازمان‌های مستقل برای کمیته در جهت بر آورد وضعیت فعلی زنان در کشورهای گوناگون فوق العاده سودمند است. نظرهایی که در متن اهداف گزارش تهیه ی شود، آن چنان که طرح کلی اش در بالا ذکر شد، برای اعضای کمیته در مورد بررسی کامل گزارش‌های حکومت‌های عضو بسیار مفید می‌باشد.

نظرها و پیشنهادها هر جا که ممکن است ارتباط دقیقش با مواد کنوانسیون و مسایل یا موارد عنوان شده مورد بررسی قرار می‌گیرد. سازمان‌های غیر دولتی و سایر گروه‌ها از طریق بخش پیشرفت زنان می‌تواند با کمیته به آدرس زیر مکاتبه کنند.

*Room DC2 – 1220, P. O. BOX 20, United Nations, New York, NY 10017, United States of America*

بخش پیشرفت زنان همچنین می‌تواند اطلاعات گزارش‌های حکومت‌های عضو را که در اجلاس‌های ویژه مورد توجه قرار گرفته، در اختیار قرار دهد. این موضوع قابل توجه است که نمایندگان رسمی سازمان‌های غیر دولتی می‌توانند در اجلاس‌های کمیته به عنوان ناظر شرکت کنند.

## ۲- توضیح مفاد کنوانسیون

کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان، سندی قانونی است و به همین دلیل، ممکن است مفادش احتیاج به توضیح داشته باشد و حتا تعهدهای بعهده گرفته شده توسط حکومت‌ها نیاز به شرح داشته باشد. این امری کاملاً واضح است. این روند پا گرفتن رویه ای قضایی، در حال پیشرفت است، چون کنوانسیون سندی پویا است. این سند می‌باید به اندازه ی کافی جهت توجه به دگرگونی نگرش‌ها و شرایط بین المللی انعطاف پذیر باشد، گر چه روح و یکپارچگی آن، نیز می‌باید حفظ شود.

هر چند در اظهار نظرهای کلی، کمیته اظهاراتی خالی از تعصب در مورد شکل و ساختار گزارش‌های حکومت‌های عضو بیان می‌کند، اما برای کمیته جای تردیدی باقی نمانده است که احتیاج به رفع علاج تبعیض علیه گروه‌های خاصی از زنان در مورد اعمال سنت‌های ویژه وجود دارد. تا این اواخر تلاش‌هایی رسمی برای تفسیر حقوق تضمین شده در این مورد در کنوانسیون صورت نگرفته است. تجربه‌ی سایر هیات‌های ناظر معاهدات نشان می‌دهد که رویکردی فعال به نظارت می‌تواند در جهت کمک به حکومت‌های عضو برای درک تعهداتشان فوق‌العاده سودمند باشد. توضیح ضابطه‌های گنجانده شده در کنوانسیون می‌تواند برای زنان در مورد درک حقوقی که آن‌ها استحقاقش را دارند بسیار ارزشمند باشد. روند تفسیر مواد اساسی کنوانسیون توسط کمیته طی اجلاس دهم در ۱۹۹۱ شروع شد و توان جدید بوجود آمده بوسیله‌ی اتخاذ برنامه‌ی فعالیت بر طبق مواد اساسی در این دوره بررسی خواهد شد.

### ۳- گسترش سیستم نظارت کارآمد

با توسعه‌ی اطلاعات اساسی و با تلاش برای توضیح ضابطه‌های گنجانده شده در کنوانسیون، کمیته برخی از نخستین گام‌های مهم را برای گسترش سیستم نظارت کارآمد برداشته است. هر چند که ایرادهای هم‌چنان باقی می‌ماند. یکی از این ایرادها، بهبود روند گزارش‌ها به طرز مناسب و کافی، می‌باشد. برای کمک به حکومت‌هایی که گزارش‌هایشان به تأخیر افتاده، کمیته رویه‌ای را تصویب کرده که به چنین کشورهایی اجازه می‌دهد تا گزارش‌ها را ترکیب کنند. به این حقیقت باید توجه داشت که کمیته زمان نشست کوتاه تری از سایر هیات‌های ناظر معاهده‌ها دارد (دو هفته) و این موضوع باعث افزایش قابل توجه حجم کارهای عقب افتاده در مورد گزارش‌ها می‌شود. در حال حاضر بطور متوسط سه سال فاصله میان زمان ارایه‌ی گزارش توسط حکومت عضو و زمان بررسی آن گزارش توسط کمیته وجود دارد. این خود عامل بازدارنده‌ای برای گزارش دادن است و منجر می‌شود به این که حکومت لازم است اطلاعات اضافی جدیدی برای به روز کردن آن گزارش ارایه کند.

به عنوان اقدامی موقتی، اجلاسی سه هفته‌ای ماموریت یافته است تا کارهای معوقه را بر طرف کند با وجود تلاش‌های زیاد کمیته، نمی‌توان انتظار داشت که با تمدید موقت اجلاس‌ها، کارهای معوقه محو شوند. طی سیزدهمین اجلاس، در ۱۹۹۴، کمیته توصیه کرد که حکومت‌های عضو، ماده‌ی ۲۰ کنوانسیون را به منظور اجازه دادن برای «برگزاری سالیانه‌ی» بررسی گزارش‌ها اصلاح کنند (حذف عبارت «به مدتی که از دو هفته تجاوز نکند»). توصیه‌ی دیگری که اصلاح آن قریب الوقوع است، این

است که مجمع عمومی به کمیته جهت تشکیل جلسه برای دو اجلاس سه هفته ای اختیار بدهد، این اجلاس‌ها از ۱۹۹۵ شروع شده و تا ۱۹۹۶-۱۹۹۸ بصورت دو سالانه ادامه پیدا کرده است. خارج از کمیته، پیشنهادهایی مطرح شده از جمله این که همه‌ی گروه‌های ناظر معاهدات در سیستم حقوق بشر ملل متحد می‌باید در کنار هم برای بهبود مناسبت و کیفیت گزارش‌های حکومت‌ها با هماهنگ کردن دستور العمل‌های گوناگون برای گزارش دادن فعالیت کنند. اگر روشی استاندارد شده برای گزارش دادن بر طبق تمام کنوانسیون‌ها جایگاه شایسته‌ای بیابد، این موضوع باعث کاهش مسوولیت سنگین اداری حکومت‌ها می‌شود. سیستم یکپارچه‌ی گزارش دهی، هم چنین سرعت و کارایی کمیته‌های مختلف را برای تجدید نظر و ارزیابی گزارش‌های اجلاس‌های سالیانه افزایش می‌دهد.

مناسبت و کیفیت گزارش‌های حکومت‌های عضو به کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان می‌تواند باعث بهبود آموزش مسوولیت مقام‌های دولتی در تدوین گزارش‌هایشان باشد. بخش پیشرفت زنان بطور منظم چنین تمرین‌های آموزشی را اجرا می‌کند. دوره‌های آموزش دهی بر طبق کلیه‌ی کنوانسیون‌های اصلی حقوق بشر بوسیله‌ی مرکز حقوق بشر ملل متحد به عنوان بخشی از برنامه‌ی کمک‌های فنی سازمان ارایه می‌شود.

#### ۴- آیا رویه‌ای برای شکایت‌های شخصی وجود دارد؟

احتمال مطرح کردن حق ارایه‌ی دادخواست از طریق تدارک پروتکل اختیاری کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان (شبه پروتکل‌های اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) در اعلامیه‌ی وین و برنامه‌ی عمل مصوب کنفرانس جهانی حقوق بشر در ۱۹۹۳ توصیه شده است. به عنوان بخشی از پی‌گیری مسایل آن کنفرانس، کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان و کمیسیون مقام زن چنین امکانی را مورد مطالعه قرار خواهند داد. چنین پروتکلی می‌تواند به شهروندان حکومت‌های عضو اجازه دهد تا برای طرح شکایت ادعای نقض حقوق تنظیم شده‌شان در کنوانسیون به کمیته مراجعه کنند. واضح است که چنین پیشرفتی باعث افزایش قابل ملاحظه‌ی قدرت کمیته و توانایی‌اش برای تأثیر مستقیم بر مساله‌ی تبعیض بر اساس جنسیت می‌شود.

در این بین راه‌های مختلفی برای جلب توجه بین‌المللی به مسایل تبعیض زنان وجود دارد کمیسیون مقام زن، هیاتی از سازمان ملل است که از جمله متعهد شده که توصیه‌ها و طرح‌هایی برای فعالیت در مورد مسایل فوری حوزه‌ی حقوق زنان ارایه دهد. هیچ اقدامی در مورد شکایت‌های

شخصی انجام نمی‌شود. در عوض، این رویه در نظر دارد تا جهات ضروری و نمونه‌هایی از تبعیض علیه زنان را تشخیص داده تا سیاست توصیه‌ها را به سوی حل مسایل شایع سوق دهد. اطلاعات ممکن است به کمیته بوسیله‌ی بخش سازمان ملل متحد برای پیشرفت زنان ارسال شود. گذشته از این، کمیته‌ی حقوق بشر که بر اجرای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نظارت می‌کند، ممکن است شکایت‌هایی از مفاد کنوانسیون دربارہ‌ی نقض برابری از حیث جنسیت دریافت کند (بویژه ماده‌ی ۲۶). ممنوعیت تبعیض بر اساس جنسیت به حقوق تنظیم شده در سایر اسناد تسری داده می‌شود، به عنوان مثال، حق تامین اجتماعی در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده‌ی ۹) تضمین شده است. رویه‌ی شکایت‌های فردی کمیته‌ی حقوق بشر برای اشخاص در هفتاد و شش کشور تصویب کننده‌ی پروتکل اختیاری حقوق مدنی و سیاسی قابل استفاده است. در نتیجه زنان در این کشورها می‌توانند شکایت‌هایی از نقض حقوق برابری که استحقاق حمایت شدن توسط میثاق یاد شده و نیز میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در حد امکان سایر کنوانسیون‌های حقوق بشر بین المللی دارد، تنظیم کنند؛ مشروط بر این که کشورهايشان عضو چنین معاهداتی باشند.